

See discussions, stats, and author profiles for this publication at: <https://www.researchgate.net/publication/342962043>

نقد تبعيض ها در ساختار آموزش و پرورش ايران

Article · July 2020

CITATIONS

0

READS

227

1 author:



[Arash Rastegar](#)

Sharif University of Technology

194 PUBLICATIONS 38 CITATIONS

[SEE PROFILE](#)

Some of the authors of this publication are also working on these related projects:



Philosophy of time [View project](#)



Tafsir [View project](#)

نقد تبعیض ها در ساختار آموزش و پرورش ایران

آرش رستگار

خلاصه در اینجا بر آنیم که ابعاد مختلف تبعیض در نظام آموزشی ایران را مطالعه کنیم و عواقب آن را در یادگیری و در تربیت دانش آموزان و دانشجویان مورد بررسی قرار دهیم. سعی می کنیم پیشنهاداتی برای رفع این تبعیض ها ارائه دهیم.

مقدمه

اخیراً یادداشتی کوتاه از دوستی دانشمند درباره تبعیض بین دانشجویان المپیادی و غیر المپیادی در دانشکده ریاضی دانشگاه صنعتی شریف در سال هایی که خودم در آنجا دانشجو بودم به دستم رسید. در اینجا متن را بدون کم و کاست می آورم:

بسم الله الرحمن الرحيم

و اما من جاءك يسهى (8) و هو يخشى (9) فانك عنه تلهى (10) كلا انها تذكره (11) فمن شاء
تذكره (12)

و اما آن کسی که شتابان پیش تو آمد (8) در حالی که (از خدا) می ترسید (9) تو از او به دیگران می پردازی (10) زنهار (چنین مکن) این پندی است (11) تا هر که خواهد از آن پند گیرد (12)

آموزش و خطرات نخبه گرایی. از آنچه در این آیات شریف متذکر شده است، اشاره به خطری است که هر معلم و هر نظام آموزشی و تربیتی باید متوجه آن باشد. ظرفیت های رشد در انسان ها چنان عظیم و چنان برای آدمی ناشناخته است که نمی توان به راحتی از این خطر دور ماند. خطر این است که: وجوه و نشانه هایی از استعداد ها آموزگاران را به خطا اندازد و ایشان از کشف توجه به استعداد هایی که مشتاق یادگیری و طالب آموزش دیدن هستند غافل بماند. این امر می تواند در لایه های مختلفی روی دهد:

1- در کلاس درس وقتی همه توجه معلم به معدودی از دانش آموزان باشد که گمان می کند بهتر می توانند درس را بیاموزند؛

2- در یک دانشکده یا مدرسه یا نظام آموزشی توجه زیاد و بی مورد به بعضی از افراد، آنچنان که از دیگران غافل شوند، یعنی یک نظام آموزشی طبقاتی شود. آنگاه وارد شدن به طبقات بالاتر غیرممکن یا مشکل گردد. این نوع از تبعیض و بی عدالتی در مقاطعی در بعضی مراکز مکرراً گزارش شده است. (مثلاً در همان دوران طلایی دانشکده ریاضی شریف در دهه 70 شمسی استعداد های زیادی از شکل گیری و آثار چنین ساختار طبقاتی با تلخی یاد می کنند).

در آیات بالا به معلمین اشتیاق و تلاش و آمادگی دانشجو را معیار درست برای توجه آموزشی معرفی می کند. لذا از وظایف ساختار آموزشی این است که انگیزه و اشتیاق برای آموختن و روحیه تلاش را در دانش آموزان تقویت کند.

یک نکته در آموزش ریاضیات که آن را از آموزش دیگر موضوعات متمایز می کند، وابستگی شدید زنجیره وار مطالب است. آنچنان که اگر مطلبی را دانش آموز به خوبی نیاموزد، مانع یادگیری بخش عمده ای از مطالب بعدی می شود. این نکته ای است که در طراحی های آموزشی باید مورد توجه باشد تا در حد امکان کمتر شود. همین امر می تواند در پیش داورای های آموزشی تأثیر گذارد و خود عامل شکل گیری و موجه جلوه دادن ساختار طبقاتی و تبعیض آمیز آموزشی گردد. پایان یادداشت.

این متن، ما را بر آن داشت تا ابعاد مختلف تبعیض در نظام آموزشی ایران را مطالعه کنیم و عواقب آن را در یادگیری و در تربیت دانش آموزان و دانشجویان مورد بررسی قرار دهیم و سعی کنیم پیشنهاداتی برای رفع این تبعیض ها ارائه کنیم. ابعادی از تبعیض که مورد توجه ما قرار گرفته است تبعیض اقتصادی، تبعیض فرهنگی، تبعیض اجتماعی، تبعیض نژادی، تبعیض سیاسی، تبعیض امکانات آموزشی، تبعیض زبانی، تبعیض دسترسی به دبیران برتر، تبعیض ارزشیابی، تبعیض کلاس های تقویتی، تبعیض ساعات آموزشی، تبعیض بر اساس استعداد های شکوفا شده و توانایی های فردی هستند که سعی می کنیم مصداق هایی از هر یک بیان کنیم و راه حل هایی برای حل این مشکل ها پیشنهاد کنیم. بدیهی است بعضی از این راه حل ها به طور کلان از بالا و توسط مسئولین و قانونگذاران قابل اعمال هستند و برخی نیز باید به صورت خرد از پایین و توسط مردم پیگیری شوند. اما این هر دو نیاز به فرهنگ سازی و طی زمان هستند و باید آنها را به عنوان اهداف بلندمدت در برنامه ریزی کلان آموزش و پرورش مورد توجه قرار داد.

تبعیض اقتصادی

یکی از تبعیض های مادر که بسیاری از تبعیض های دیگر از آن نتیجه می شود، تبعیض اقتصادی است. مصداق های آن فراوان است و نیاز به آمار ندارد. دانشجویان صنعتی شریف از ماشین هایی استفاده می کنند که خیلی اساتید قادر به تهیه آن نیستند. آماده شدن برای کنکور و المپیاد برای دانش آموزانی فراهم است که کلاس های آموزشی فراوانی را گذارنده اند و برای این مسابقات تربیت شده اند. بهترین مدارس ایران خصوصی است و در ثروتمند ترین نقاط تهران قرار گرفته اند. حقیقت این است که بسیاری از امکانات را می توان با پول خرید، اما دولت موظف است این امکانات را در اختیار همه اقشار و در اقصی نقاط کشور در دسترس قرار دهد. رادیو و تلویزیون و سیاست های آموزشی ابزار هایی هستند که می توانند فاصله بین فقیر و غنی را در صحنه های آموزشی کم کنند. جلوگیری از انتشار حل المسائل برای کتاب های درسی و کتاب های تست پیش از این در دهه 60 در دستور کار وزارت آموزش و پرورش قرار داشت و کتاب های کمک آموزشی همه استاندارد گذاری می شد و قیمت این کتاب ها تحت کنترل قرار داشت. دانشگاه های خصوصی نیز می توانند نقش مهمی در تبعیض ایفا کنند.

دانشگاه های برتر مثل شریف، تهران و امیرکبیر دوره های بین المللی دارند که برای دانشجویان ثروتمند و نه چندان موفق مدرک معتبر صادر می کنند. خوشبختانه سطح دانشگاه های خصوصی در ایران از سطح دانشگاه های دولتی بالاتر نیست، اما به تدریج که شکاف اقتصادی در جامعه بیشتر شود، دانشگاه هایی با این توصیفات به وجود خواهند آمد. امکان ادامه تحصیل در سطح کارشناسی در خارج از کشور نیز برای دانش آموزان متمول ممکن است که برای دانش آموزانی با توانایی های برابر با آنها ممکن نیست؛ هرچند خوشبختانه این کار نیز چندان رواج ندارد و معمولاً دانشجویان پس از گرفتن مدرک کارشناسی یا کارشناسی ارشد برای ادامه تحصیل از کشور خارج می شوند و بسیاری از ایشان از بورس تحصیلی استفاده می کنند.

تبعیض فرهنگی

همه خانواده های ایرانی که فرزندان شان تحصیل می کنند، خودشان تحصیل کرده نیستند. اکثر پدر و مادر ها در استان های محروم، تحصیلات عالی ندارند و اکثر پدربزرگ ها و مادربزرگ ها حتی سواد خواندن و نوشتن ندارند. اما فرزندان این خانواده ها نیاز به حمایت آنها دارند و فرهنگ این که یادگیری چقدر حائز اهمیت است در این خانواده ها وجود ندارد. در پنجاه سفر استانی که به مناطق

محروم ایران انجام دادم، این مشکلات را از نزدیک شاهد بودم. بسیاری از دانش آموزانی که توانایی مالی بالایی نداشتند، موبایل های بسیار گرانی را مالک بودند، در حالی که برای مخرج مدرسه حمایت نمی شدند. در گذشته های نه چندان دور، بسیاری از دختران اجازه تحصیل نداشتند و خوشبختانه امروز چنین مثال هایی نادر است، اما بسیاری از دختران اجازه ندارند برای ادامه تحصیل در دانشگاه از شهر خود به شهر های بزرگتر مهاجرت کنند. در برابر، بسیاری از خانواده های تحصیل کرده که چندان متمول نیستند و از سطح اقتصادی پایینی برخوردارند، تمام سرمایه خود را برای تحصیلات فرزندانشان خرج می کنند و برای آن اهمیت قائل هستند. یک مشکل فرهنگی دیگر نیز وجود دارد، بعضی از خانواده ها که بسیار ثروتمند هستند برای کسب ثروت به تحصیلات نیاز ندارند، از طرفی مقدار ثروتی که از راه تحصیل قابل به دست آوردن است برای این خانواده ها قابل قبول نیست. از طرفی دیگر، چنین خانواده ای اهمیتی بر تحصیلات قائل نیست. این است که اگر هم بچه های خانواده برای تحصیل تشویق شوند هم این امر زینتی است و به خاطر مدرک است و این خانواده به ارزش فرهنگی تحصیلات اعتقاد ندارند. همین زمینه فرهنگی به یادگیری دانش آموزان و دانشجویان صدمه می زند و باعث می شود به درس خواندن دل ندهند و تمام نیروی خود را به کار نبرند. در چنین حالتی، تلاش های معلمان و استادان و مخرجی که برای ایشان می شود، نتیجه مطلوبی نخواهد داشت. به نظر می رسد که تبعیض جنسیتی سالهاست در لایه دانش آموزی و دانشجویی کمتر شده ولی در مشاغل بویژه دانشگاهی بسیار شدید است. یکی از اساتید یک دانشگاه معروف کشور می گفت، در بین اساتید مرد گاهی برای توجیه استخدام نکردن اساتید زن این طور استدلال می شود: اگر ازدواج کرده باشد یک جور و اگر ازدواج نکرده باشد یک جور (دیگر مشکلات

خواهیم داشت)!

تبعیض اجتماعی

بعضی تبعیض ها بر اثر عوامل اجتماعی است. مثلاً ممکن است تحصیل برای کسی به دلایلی غیر قانونی فرض شود و در کشور ایران چنین مواردی وجود دارند. یا محدودیت های سنی این اجازه را ندهد که افرادی که توانایی تحصیل دارند مشغول یادگیری شوند. مثلاً کلاس های سواد آموزی ممکن است در بعضی مناطق محروم در دسترس نباشد، یا در مدرسه برای بعضی ایل ها و عشایر که سفر می کنند، در سطوحی قابل دسترس نباشند. در سال های قبل از انقلاب چنین مشکلاتی بسیار فراگیر بود اما اکنون کمتر شده، اما هنوز در نقاطی از کشور چنین مشکلاتی وجود دارد. در برابر، دیده شده است که

در خانواده هایی از سطح اجتماعی بسیار پایین، فرزندان به تحصیلات عالی می رسند که باعث افتخار برای نظام آموزشی کشور است. دانش آموزان و دانشجویان افغانی و بعضی دیگر از ملت ها نیز اجازه استفاده از امکانات آموزشی کشور در سطح مدرسه یا در سطح دانشگاه را ندارند، که البته اخیراً قوانینی در جهت رفع این مشکلات به تصویب رسیده است. متأسفانه در بعضی شهرها، سطح زندگی آنقدر پایین است که اساتید دانشگاه حاضر نمی شوند در این شهرها زندگی کنند و استادها پروازی هستند و یا از شهرهای نزدیک برای تدریس سفر می کنند. این مشکل، اجازه نمی دهد که دانشگاه هایی قوی در شهر های کوچک و محروم تأسیس شود و سطح زندگی در این شهر ها را بالا ببرد. در مورد آموزش مدرسه ای نیز این اصل برقرار است. معلمها در شهرهای کوچک علاقه دارند به مراکز استان یا به تهران انتقال پیدا کنند که البته این به نوعی از عوارض عدم توزیع صحیح ثروت در کشور است که به نوعی یک تبعیض اقتصادی نیز هست. در لیست تبعیض های فرهنگی نیز بعضی از موارد ریشه در تبعیض اقتصادی داشتند که به آنها اشاره شد.

تبعیض قومی

ممکن است تصور شود که تبعیض نژادی مربوط به کشور آمریکا یا آفریقای جنوبی است و یا مسئله ای است که در کشورها وجود ندارد و یا در کشور های دیگر نیز به طور تاریخی وجود داشته است و امروز وجود ندارد. اما متأسفانه، در سطح اقوام تبعیض های بسیاری در کشور ما دیده می شود. بسیاری از دانش آموزانی که مهاجرت کرده اند در مدارس شهرستان های کوچک که اقوام یکدست دارند دچار تبعیض می شوند. متأسفانه چنین مواردی در سطح دانشگاه نیز دیده می شود. بسیاری از دشمنی های قومی هنوز در نظام آموزشی دیده می شود، حتی بعضی اساتید در شهرستان های کوچک نمی توانند استخدام شوند، چه از بافت محلی نیستند و توسط اساتید محلی پذیرفته نمی شوند. بعضی نیز از این تبعیض های قومی سوء استفاده می کنند و در دانشگاه های کوچک که ارتقاء برای ایشان راحت است، ارتقاء می یابند و بعد به دانشگاه های بزرگ در مراکز استان ها انتقال پیدا می کنند. این که در کشور ما هم قوم بودن رابطه ای بسیار محکم تر از هم وطن بودن است، حقیقتی ریشه ای است که در سراسر ابعاد زندگی اجتماعی خود را نشان می دهد و این مسئله که به طور گسترده در جامعه وجود دارد، در آموزش، مدرسه و دانشگاه هم خود را نشان می دهد. ممکن است بعضی مخاطبان این مقاله که در شهرستان های کوچک زندگی نکرده اند این مسئله را منکر شوند. اما این یک مسئله مهم است که حل آن نیازمند عزم ملی است و با قانون گذاری و به طور دستوری تغییر زیادی نمی توان در این سیستم

ایجاد کرد. باید افراد جامعه در این مورد تعلیم داده شوند و از پایین فرهنگ سازی شود تا بتوان در چند دهه در این جهت تغییری ایجاد کرد. ترویج مهاجرت در داخل کشور در سطح گسترده بسیار به این امر کمک می کند.

تبعیض سیاسی و ایدئولوژیکی

معمولاً دانش آموزان عقاید سیاسی چندانی ندارند، اما در اوایل انقلاب تشکل های سیاسی در دبیرستان ها فراوان بودند. بسیاری از معلمان نیز در این تشکل ها مشغول بودند. جو دانشگاه ها بسیار شلوغ تر و نا آرام تر بود و بسیاری از دانشجویان در تشکل های سیاسی بسیار فعال بودند. پس از انقلاب فرهنگی وضع بسیار آرام تر است، اما هنوز دانشجویان به خاطر ابراز نظر های سیاسی و یا راه پیمایی های سیاسی دستگیر و گاهاً از دانشگاه اخراج و ممنوع التحصیل می شوند. در برابر بسیاری از اساتید دانشگاه دیدگاه های سیاسی و ایدئولوژیک مخصوص به خود را دارند و در استخدام ها دیدگاه های خود را اعمال می کنند. در بعضی دانشکده های دانشگاه صنعتی شریف بین اساتید بسیار معمول است که بگویند به خدا اعتقاد ندارد و در بعضی دانشکده ها اساتید خانم چادری به دلیل حجابشان رأی نمی آورند و استخدام نمی شوند. اصولاً در رأی دادن و روابط اساتید دیدگاه های سیاسی و ایدئولوژیک بسیار نقش ایفا می کند که خود نوعی تبعیض است. ساختار دولت جمهوری اسلامی نیز خالی از تبعیض نیست و به نوعی این نشان می دهد که این نوع تبعیض، یک مشکل همه گیر در جامعه ما است که باید به طور سیستماتیک به آن پرداخته شود. این تبعیض های همه گیر در سطوح مختلف در محیط آموزشی آشکار می شوند و خود را نشان می دهند. حتی در جمع فارغ التحصیلان دانشکده ریاضی دانشگاه صنعتی شریف شاهد بودم که به شدت از بحث های سیاسی و ایدئولوژیک دوری می کردند تا مبادا موجب درگیری لفظی شدید شوند. عدم تحمل آزادی سیاسی و ایدئولوژیک مخالفان در فرهنگ مدرن ایران نهادینه شده است.

تبعیض امکانات آموزشی

عدم توزیع ثروت به صورت عادلانه در کشور، در نظام آموزشی نیز تجلی کرده است. امکانات آموزشی نظیر کامپیوتر، سالن های ورزشی، امکانات رفاهی، کتابخانه، فضای آموزشی، امکانات ایاب و ذهاب، سفر های علمی و فرهنگی و تفریحی به طور یکنواخت بین مدارس و دانشگاه های کشور توزیع نشده اند. مدارس غیرانتقاعی رقابت دارند که هر یک چه امکانات آموزشی را می توانند برای شاگردانشان فراهم کنند و این را بهانه برای دریافت پول بیشتر می کنند. امکانات فضای

آموزشی نیز در دانشگاه هایی که در شهر های بزرگ قرار دارند، برای بسیاری از دانشگاه ها مناسب نیست و محدوده دانشگاه یا بسیار کوچک است، یا به صورت دانشکده هایی در شهر پراکنده است، یا از دو یا سه محوطه جدا از هم تشکیل شده است و دانشجویان مجبورند برای گذراندن درس های دانشگاهی بین این محوطه ها جابجا شوند. خوابگاه ها عمدتاً مناسب نیستند، اما آنچه هست هم بین دانشگاه ها به درستی و به سلامت توزیع نشده. برخی دانشگاه ها از نام خود و از فارغ التحصیلان خود استفاده می کنند و نظر خیرین را برای کمک مالی در زمینه ساختن خوابگاه ها جلب می کنند. دلیل اینکه ایشان ناچار به چنین درخواستی هستند، در اختیار نداشتن بودجه لازم توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است. وزارت آموزش و پرورش نیز بی تقصیر نیست. باید برای امکانات آموزشی در محیط های آموزشی استاندارد هایی گذاشته شود که همه محیط ها لازم به رعایت استاندارد ها باشند و در بودجه کشور نیز ردیف هایی برای جبران این کاستی ها قرار داده شود که البته شرایط اقتصادی کشور هم در این مورد نقش ایفا می کند.

تبعیض زبانی

زبان مادری بسیاری از دانش آموزان فارسی نیست. ربع دانش آموزان ایرانی زبان مادریشان ترکی است و بسیاری از اینها شانس یادگیری تکلم به زبان فارسی قبل از رفتن به مدرسه را ندارند. در مدرسه نیز، تدریس به زبان مادری ایشان انجام نمی شود و این مانع بزرگی در یادگیری این دانش آموزان است. اینکه زبان مادری ایشان در مدرسه و دانشگاه تدریس نمی شود به کنار، حتی امکانات لازم برای مهارت در زبان فارسی در بعضی استان ها به سادگی فراهم نیست. این مشکل باعث می شود سطح یادگیری در بسیاری شهرستان های کوچک و روستا ها بسیار پایین بیاید. دانش آموزی که بتواند از چنین مشکلاتی سر بلند کند و خود را به دانشگاه برساند و یک فارغ التحصیل موفق باشد، اگر در یک خانواده شهری بزرگ می شد بسیار تواناتر می بود. نظام آموزشی و فرهنگ ایرانی چنان است که داشتن یک زبان مادری علاوه بر زبان فارسی برتری محسوب نمی شود، به همین دلیل کسی ترغیب نمی شود تا زبان ها و لهجه های محلی را یاد بگیرد و این ارزش در نظر گرفته نمی شود. در صورتی که یادگیری زبان های خارجی بسیار مورد تشویق قرار می گیرد، به همین دلیل زبان پهلوی قدیم، پهلوی میانه و پهلوی جدید به فراموشی سپرده شده اند. اگر به خاطر قرآن نبود، همین بلا بر سر زبان عربی می آمد که زبان مادری غالب در بسیاری از روستا ها و شهرستان های جنوب ایران است. بسیاری از کتاب های علمی که در تاریخ ایران به زبان عربی نوشته شده است جز برای محقق مسلط به

زبان عربی در دسترس عوام برای یادگیری نیست و نیاز به ترجمه دارد. در واقع، موانع زبانی فرهنگ ما را به چندین پاره تقسیم کرده است.

تبعیض دسترسی به دبیران برتر

این یک مسئله جهانی است. بهترین معلمان سعی می کنند به مراکز استان و یا تهران بروند، چون امکانات رفاهی در مراکز استان بیشتر است و هم حقوق و مزایای بیشتری در اختیار معلمان قرار می گیرند و می توانند با تدریس خصوصی درآمد بیشتری کسب کنند. مشابه این پدیده، مثلاً در آمریکا اتفاق می افتد که بهترین پزشکان به نیویورک و سایر شهر های بزرگ می روند و در نیوجرسی که نزدیک نیویورک است پزشکان برجسته بسیار کمتر از نیویورک هستند. این راه حلی به جز توزیع صحیح ثروت و حمایت مالی از معلمانی که در مناطق محروم کار می کنند ندارد. شبیه همین امر در آموزش عالی در نظر گرفته شده و اساتید مقیم در شهرستان های کوچک حق دوری از مرکز می گیرند. یک بعد دیگر تبعیض نیز وجود دارد و آن تبعیض بین نسل های مختلف است. مثلاً، معلمان ریاضی تربیت شده زیر دست دکتر هشترودی بسیار توانمند تر بودند از معلمان ریاضی تربیت شده زیر دست دکتر مصاحب و این معلمان بسیار قوی تر از معلمانی که امروز در بهترین دانشگاه های ما فارغ التحصیل می شوند. عدم دسترسی به معلمانی توانا یک تبعیض بین نسل ها است. یک نکته دیگر در ایران این است که اخیراً تصویب شده که معلمان تنها از فارغ التحصیلان دانشگاه فرهنگیان استخدام شوند. این بدان معنی است که فارغ التحصیلان دانشگاه های سرآمد مانند شریف و تهران و امیرکبیر، اجازه ندارند به استخدام آموزش و پرورش در بیایند و این تبعیضی بزرگ است که به ضرر دانش آموزان می باشد که اجازه نمی دهد بهترین استعداد ها به ایشان خدمت کنند. این کار سطح معلمان را یک بار دیگر پایین تر می برد و به همراه خود سطح نظام آموزشی را نیز تترزل خواهد داد. اگر این کار، به همین منوال پیش برود، به زودی فارغ التحصیلان دانشگاه های داخلی توان ادامه تحصیل در دانشگاه های سرآمد بین المللی را نخواهند داشت.

تبعیض ارزشیابی

عدم وجود استاندارد های ارزشیابی به این معنی خواهد بود که نمرات عددی دانش آموزان و دانشجویان معنای متفاوتی خواهد داشت و این یک تبعیض ارزشیابی است، چرا که معدل دانش آموزان در ادامه تحصیل و استخدام دانش آموزان و دانشجویان نقش مهمی ایفا می کند. این ایجاب می کند که عدد مند کردن ارزشیابی استاندارد داشته باشد. یک راه حل برگزاری آزمون های سرتاسری مانند

امتحانات نهایی کشوری و آزمون کنکور سراسری است. در آمریکا نیز چنین آزمون هایی مانند SAT و ACT برگزار می شود که برای پیوستن دانش آموزان به دانشگاه های کار آمد هستند. البته این آزمون ها چند بار در سال برگزار می شوند و هر دانش آموز می تواند چند بار در آنها شرکت کند و بهترین نمره هایش را برای دانشگاه ها بفرستند و این از استرس کنکور سراسری که سالی یک بار برگزار می شود می کاهد. یک ارزشیابی دیگر که در آمریکا انجام می شود، ارزشیابی دانش آموزان به این هدف است که بررسی شود آیا استاندارد های آموزشی به طور صحیح در مدرسه اجرا شده است یا خیر. یعنی آیا سطح آموزش بالا است یا پایین، آیا حداقل ها به دانش آموزان آموخته شده است یا خیر. چنین ارزشیابی ای بسیار به عدالت آموزشی کمک می کند. مدارس که به استاندارد های لازم نرسیده باشند، باید مورد بررسی قرار گیرند که علت کوتاهی آنها چیست. اگر معلمی مقصر است، باید رسیدگی شود و اگر مشکلات آموزشی دیگری مانند مشکلات فرهنگی یا اجتماعی مانع یادگیری شده است، باید رسیدگی شود. در کشور ما استاندارد های ارزشیابی مورد توجه قرار نمی گیرد و این باعث می شود کارآمدی نظام آموزشی در استان های مختلف و در مدارس مختلف هماهنگ نباشد.

تبعیض کلاس های تقویتی

آموزش زبان انگلیسی در کلاس های بعد از مدرسه پر رنگ ترین خاطراتی است که از کلاس های تقویتی به خاطر می آورم. کلاس های کنکور، کلاس های خصوصی و نیمه خصوصی، در بسیاری از مدرسه ها جایگزین شده اند با کلاس های فوق برنامه در مدارس خصوصی که سعی می کنند ناکارآمدی نظام آموزشی را جبران کنند. این کار تبعیض محسوب می شود، تنها تا هنگامی که نظام آموزشی ناکارآمد است و راه جبران آن، کارآمد کردن نظام آموزشی است. چرا با وجود امکانات صدا و سیما و هم امکانات مدرن فضای مجازی این اتفاق نمی افتد؟ دلیل آن گردش مالی عظیم ساختارهای غیردولتی کمک آموزشی است. بسیاری از دولتمردان نیز در این گردش مالی سهیم هستند. کافی است در آموزش و پرورش بررسی کنید که چه تعدادی از مدیران ارشد آن مدرسه خصوصی دارند. کافی است یک مدیر آموزش و پرورش در جهت حذف کنکور قدمی بردارد تا غول های مالی کمک آموزشی همراه با چند نماینده مجلس به دفتر او بروند و او را در صورت عدم همکاری تهدید به استیضاح کنند. اکنون سپاه پاسداران نیز در این زمینه سرمایه گذاری می کند.

تبعیض آموزشی یک حقیقت است، چون برای بسیاری از مسئولین و تصمیم گیران درآمد دارد. این مدیران در معرض خطر تصمیم گیری نادرست قرار دارند، چه آنقدر که اهمیت شغلشان ایجاب می

کند حقوق نمی گیرند. این یک سیاست گذاری اشتباه است. حقوق قضات را با حقوق معلمین و مدیران آموزشی مقایسه کنید، خواهید دید با اینکه مدیران آموزشی در معرض انحراف بیشتری از قضات هستند، اما به نیازمندی های آنان توجه نمی شود. این مشکل در آموزش و پرورش در همه سطوح وجود دارد. دلیل این همه این است که گردانندگان کشور فساد در نظام آموزش و پرورش را مهمتر از فساد در سیستم قضایی نمی دانند.

تبعیض ساعات آموزشی

ساعات آموزش در مدارس خصوصی بیشتر از ساعات آموزش در مدارس دولتی است و دانش آموزان برای درس خواندن برای ساعات بیشتر از لحاظ رفاهی حمایت می شوند. این سطح از رفاه با توجه به امکانات کشور برای همه دانش آموزان قابل فراهم کردن نیست. در بعضی مدارس خصوصی دانش آموزان بعد از نهار می خوابند و استراحت می کنند، تقریباً در همه مدارس خصوصی برای دانش آموزان غذای گرم سرو می شود و امکانات رفت و آمد برای دانش آموزان در نظر گرفته می شود. دانش آموزان به خاطر فراهم کردن امکانات اقتصادی برای مدیریت مدرسه، در مدرسه بسیار قدرت دارند، تا حدی که معلم ها از آنها حساب می برند و اگر جمعی از دانش آموزان بخواهند، می توانند معلمی را از مدرسه اخراج کنند. این سطح از قدرت برای دانش آموزان اصلاً سلامت نیست، اما نشانگر عمق فاجعه تبعیض است. نظام آموزشی ای که حاضر باشد برای چند ساعت بیشتر تدریس، چنین تبعیضی را بین دانش آموزان در سطح روانی قائل شود، بسیار فاسد و ناکارآمد است و مسلماً والدین که فرزندان را در چنین شرایطی قرار می دهند بی تقصیر نیستند. لازم به ذکر است که این مشکل در سایر موسسات آموزشی مانند کلاس زبان و کلاس کنکور وجود ندارد و امری قابل اجتناب است. برای اجتناب از این ضایعه توصیه می شود دادگاه آموزشی تشکیل شود و به جرائم مدرسه و دانشگاه رسیدگی شود تا معلمان تحت فشار چنین بی اخلاقی قرار نگیرند و نظام آموزشی تحت حکومت قوه قضائیه اصلاح شود. این مشکل، یک مشکل بین المللی است، بنده در آمریکا در یک مدرسه خصوصی اسلامی تدریس می کردم و چون مدیر مدرسه توزیع نمرات را نمی پذیرفت، بنده را با توجه به رزومه قوی ام از مدرسه اخراج کردند. فاعتبروا یا اولوا الابصار

تبعیض بر اساس توانایی های فردی

در آخرین مرتبه و البته نه در کمترین مرتبه اهمیت تبعیض بر اساس توانایی های فردی است که پیش از این در مقدمه به آن اشاره کردیم. وقتی حداقل هایی از دسترسی به امکانات آموزشی برای اکثریت جامعه وجود دارد، این مورد می تواند کمترین عامل از بین بردن زمینه های رشد باشد. ممکن است دانش آموزان یا دانشجویانی از این نعمت برخوردار باشند که استعداد هایشان به سادگی ظهور پیدا کند، این دانش آموزان ممکن است مرکز توجه آموزشگران بی تجربه قرار بگیرند. این به طور آشکار تبعیض است بر اساس توانایی های یادگیری. ممکن است دانش آموزان یا دانشجویان دیگری استعداد های نهفته ای داشته باشند و در اثر عدم توجه معلم و استاد این استعداد ها شکوفا نشوند. بنابراین یک معلم با تجربه روی همه دانش آموزانش در جهت ارتقاء یادگیری آنها سرمایه گذاری می کند. چه بسا دانش آموزانی که در اوایل مراحل یادگیری بسیار کند باشند، ولی بعد یادگیری آنها روان شود و به بالاترین مدارج علمی برسند. دانشجویی داشتم به نام مریم میرزاخانی که گویا در سال های اول راهنمایی در ریاضیات درخشان نبود، اما در همان سال ها دچار تحول شد و در دبیرستان به رتبه اول در جهان در مسابقات ریاضی بین المللی دبیرستانی با نمره کامل دست پیدا کرد و بعد به دانشگاه هاروارد رفت و دکتری گرفت و بعد ها جایزه بین المللی فیلدز را که مخصوص ریاضیدانان جوان است و معادل جایزه نوبل می باشد به عنوان اولین ایرانی و به عنوان اولین زن در جهان دریافت کرد. سیستم آموزشی باید چنان منعطف باشد که راه را برای شکوفایی و پیشرفت چنین استعداد هایی فراهم کند. به امید روزی که از دانشمندانی که داخل ایران تحقیق می کنند کسانی بتوانند به دریافت چنین جوایز بین المللی معتبری موفق شوند. این امر باعث تشویق جوانان محقق ما خواهد بود.